

## پاورقی حقوقی بر شرکت‌های تضامنی

بهرنگ سراج زاده / کارشناس ارشد رشته حقوق شرکت‌های تجاری

مقدمه: شرکت‌های تجاری به عنوان قوای محرکه اقتصادی در سطوح مختلف تجارت داخلی و تجارت بین‌الملل نقش بی‌بدیلی در تمرکز سرمایه‌های خرد و هدایت آنها دارند. به واسطه وجود حاکمیت شرکتی (Corporate Governance) شرکت‌های تجاری به عنوان نماد تجمع خرد جمعی و هم‌افزایی آن، همواره شاهد پیشرفت‌های عظیمی در عرصه‌های صنعت، اختراعات و رفاه اجتماعی می‌باشیم. در تمامی نظام‌های حقوقی شاهد وجود قالب‌های مختلف شرکت‌های تجاری هستیم که اشخاص مختلف می‌توانند یکی از قالب‌های مذکور را جهت فعالیت اقتصادی خود انتخاب نمایند. وجه مشترک همه‌ی قالب‌های مذکور به عنوان شرکت‌های تجاری؛ استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری از شرکای آن می‌باشد، ولی وجوه ممیزه‌ای به صورت معنادار به خود جلوه‌ی خاصی می‌گیرد و آن، محدود شدن مسئولیت شرکا نسبت به دیون شرکت و محور قرار گرفتن سرمایه به جای شخصیت حقیقی شرکاست. بر این مسأله روندی تاریخی حاکم است که در دو سوی آن می‌توان به شرکت تضامنی به عنوان کامل‌ترین نماینده شرکت‌های شخص‌محور و شرکت سهامی عام به عنوان کامل‌ترین نماینده شرکت‌های سرمایه‌محور اشاره نمود. لذا در این مجال به عنوان یک پاورقی حقوقی به روند شرکت‌های تضامنی از تأسیس تا انحلال در حقوق ایران می‌پردازیم.

### گفتار اول: اصول حاکم بر شرکت تضامنی

مطابق ماده ۱۱۶ قانون تجارت ایران، شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود. اگر دارایی شرکت برای تأدیه‌ی تمام قروض کافی نباشد، هریک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراردادی که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد، در مقابل اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن است و مطابق ماده ۱۱۷ قانون تجارت، در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم یکی از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد، باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است، عبارتی از قبیل: (و شرکا) یا: (و برادران) قید شود. ماده ۱۲۳ قانون تجارت چنین اشعار داشته است: در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکا نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند، مگر به رضایت تمام شرکا.

از این سه ماده می‌توان سه اصل حاکم بر شرکت‌های تضامنی را دریافت که عبارتند از: مسئولیت تضامنی شرکا، غیر قابل انتقال بودن سهم‌الشرکه و تصریح به عنوان شرکت تضامنی در نام شرکت (امیر حسین فخاری، ۱۳۶۷، ۲۱) وجوه ممیزه‌ای که بیانگر تمایز نوع این شرکت از سایر شرکت‌های تجاری است. از جهت مسئولیت شرکا، اصلی که بر شرکت تضامنی حاکم است، اصل تضامن می‌باشد. یعنی شرکا مسئول تعهدات و دیون شرکت هستند، خواه در انجام معامله مداخله نموده باشند، یا خیر. شرکت‌های تجاری نیز به هر صورت که باشند می‌توانند در شرکت تضامنی دخالت داشته باشند، زیرا همان‌طور که شریک حقیقی ضامن در حدود دارایی خود مسئول تعهدات شرکت تضامنی هستند (حسن ستوده تهرانی، ۱۳۸۵، ۱۷۱)، در شرکت تضامنی عمل هر یک از شرکا ممکن است برای سایر شرکا موجب تعهداتی گردد. در شرکت تضامنی، شرکا حاضر نیستند با هر کسی وارد شراکت گردند، لذا بدیهی است هیچ یک از شرکا نمی‌توانند سهم‌الشرکه خود را مستقلاً منتقل نمایند. اصل در شرکت تضامنی، غیر قابل انتقال بودن سهم‌الشرکه شرکاست (امیر حسین فخاری، همان، ۲۳) و باید این اصل را قاعده‌ای آمره دانست و اگر در اساسنامه شرکت تضامنی پیش‌بینی شده باشد که با موافقت اکثریت، شرکا اختیار واگذاری سهم‌الشرکه خود را به دیگران دارند، به جهت آمره بودن مقررات ماده ۱۲۳ قانون تجارت، توافق فاقد اثر است (ربیعا اسکینی، ۱۳۸۶، ۱۶۷)، در مورد اصل سوم چنین باید گفت: شرکت تضامنی دارای نام مخصوص است که نشان‌دهنده مسئولیت شرکا و نوع شرکت است که در زبان فرانسه Soci t  en nom collectif نامیده می‌شود (مرحوم فخاری، همان، ۲۳) و اهمیت مسأله به علت شخص‌محور بودن و اعتبار نام شریکی است که سایرین به اعتبار آن با شرکت وارد معامله و مراودات مالی می‌گردند.

### گفتار دوم: تشکیل شرکت تضامنی

ماده ۱۱۸ قانون تجارت چنین اشعار می‌دارد: شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی، تأدیه و سهم‌الشرکه غیر نقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

بدیهی است به علت وجود وصف قراردادی در شرکت‌های تجاری باید فی‌مابین اشخاص مؤسس قراردادی منعقد گردیده باشد که طی آن، سرمایه شرکت و سهم‌الشرکه هریک از آنها معین شده و تا بتوان ماده ۱۱۸ قانون تجارت را مجری دانست. پس به بیان دیگر باید شرکت‌نامه‌ای فی‌مابین شرکا منعقد گردیده و پس از آن شرکت و شرکت‌نامه به ثبت برسند و مفاد مقررات ماده ۱۱۸ قانون تجارت اعمال گردد (امیرحسین فخاری، همان، ۲۵). در ماده ۱۱۸ صحبتی از تنظیم شرکت‌نامه به عمل نیامده است، اما در ماده اول نظامنامه قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ چنین آمده است: در هر محلی که اداره ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی موجود است شرکت‌های تجاری که در آن محل تشکیل می‌شود، باید به موجب شرکت‌نامه رسمی تشکیل گردد و به موجب بند "ج" ماده ۴ همین نظامنامه، می‌توان استنباط نمود که وجود اساسنامه برای تشکیل شرکت تضامنی اجباری نیست. شرکت‌نامه از جمله اسنادی است که در کنار مبیعه‌نامه، صلح‌نامه و هبه‌نامه جهت یافتن اعتبار قانونی مطابق ماده ۴۷ قانون ثبت به صورت رسمی منعقد گردند. هر چند مرجع ثبت سه عقد اولی دفترخانه اسناد رسمی است، اما مطابق آیین‌نامه مصوب ۱۳۲۷ وزارت دادگستری جهت سهولت در انجام کار و حذف تشریفات زائد، مرجع ثبت شرکت‌ها در تهران و ادارات ثبت در شهرستان‌ها می‌توانند شرکت‌نامه را به ثبت برسانند. بدیهی است منعی در ثبت بدوی شرکت‌نامه در دفاتر اسناد رسمی و متعاقب آن تقاضای ثبت شرکت وجود ندارد. مطابق ماده ۱ نظامنامه قانون تجارت، پس از تشکیل هر شرکت، خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار محل شرکت، آگهی شده و مطابق ماده ۷ همان نظامنامه، خلاصه مذکور باید متضمن شماره و تاریخ ثبت شرکت، میزان سرمایه، اسم مدیر یا مدیران و تاریخ آغاز و ختم شرکت در صورت محدود بودن مدت آن، باشد. در زمینه تأدیه سرمایه در شرکت تضامنی که قانوناً رکن رکین تشکیل شرکت است، بر خلاف سایر شرکت‌ها که معمولاً اکثریت معینی برای این مسأله در نظر گرفته‌اند، مطابق ماده ۱۲۲ قانون تجارت تقویم آورده غیرنقدی در شرکت تضامنی باید با تراضی تمام شرکا صورت پذیرد.

#### گفتار سوم: فعالیت شرکت‌های تضامنی

پس از تشکیل شرکت تضامنی، این شرکت واجد شخصیت حقوقی شده و فعالیت خود را آغاز می‌نماید، زیرا می‌توان این برهه را دوران فعالیت شرکت تضامنی نامید که سه مورد در آن، مورد بحث قرار می‌گیرد: اداره شرکت، مسئولیت شرکا و تقسیم سود و زیان که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

#### بند اول: اداره شرکت

ماده ۱۲۰ قانون تجارت اشعار می‌دارد: در شرکت تضامنی، شرکا باید لاقلاً یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند. از این ماده که لزوم نصب مدیر برای شرکت تضامنی از آن استنباط می‌گردد، می‌توان چنین مستفاد نمود که قانونگذار ایران پتانسیل تعدد مدیران را در شرکت تضامنی به وجود آورده و همچنین سمت مدیریت می‌تواند از آن شخصی غیر از شرکا صورت پذیرد. در صورتی که مدیر شرکت تضامنی در ذیل شرکت‌نامه انتخاب شده باشد، در صورتی که مدیر یا مدیران شرکت به موجب شرکت‌نامه تعیین شوند و شرکت دارای اساسنامه نباشد، انتخاب مدیر شرکت جزو شرایط اساسی عقد به شمار می‌رود و چنانچه طرز عزل و انتخاب جانشین او پیش‌بینی نشده باشد، قابل عزل نخواهد بود. (محمود عرفانی، ۱۳۸۸، ۲۰۲)

اگر مدیر به موجب اساسنامه تعیین شده باشد، استعفا یا عزل وی بلاشکال است، زیرا اصولاً مدیریت شرکت، تابع احکام مربوط به وکالت است و چون وکالت عقدی است جایز، هریک از طرفین می‌توانند در هر موقع که تمایل داشته باشند آن را فسخ نمایند و به همان ترتیبی صورت خواهد گرفت که اساسنامه مقرر داشته است. (امیرحسین فخاری، همان، ۲۹)

ماده ۱۲۱ قانون تجارت ناظر بر اختیارات مدیران شرکت تضامنی است. در این ماده چنین آمده است: حدود مسئولیت مدیر و مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده. به نظر می‌رسد ماده ۵۱ قانون تجارت به موجب قانون اصلاحی شرکت‌های سهامی مصوب ۱۳۴۷ که در عرف حقوقدانان ایرانی به لایحه اصلاحی مشهور است، نسخ شده باشد، ولیکن به موجب ۱۲۱ باید این ماده را همچنان معتبر دانست و نص ماده ۵۱ چنین است: مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در برابر موکل دارد.

با عنایت به وصف قراردادی شرکت‌نامه عملاً اختیارات مدیر یا مدیران شرکت تضامنی در ذیل شرکت‌نامه تعیین می‌شود و اگر یکی از مدیران مستقلاً با اشخاص ثالث و به نام و حساب شرکت معامله کرده باشد، در حالی که چنین اختیاری نداشته است، معامله به

شرکت راجع نیست، حتی اگر ثبت یا آگهی نشده باشد که تصمیم‌گیری مدیران به نحو اتفاق باشد. (ربیعا اسکینی، ۱۳۸۶، ۱۶۲) در خصوص مسئولیت مدیران شرکت از آنجا که قواعد عام وکالت بر آن حاکم است و در صورت تجاوز از حدود اختیارات، مدیر متخلف شخصاً مسئول بوده و شرکت و شرکا فاقد مسئولیت می‌باشند.

### بند دوم: مسئولیت شرکا

مطابق اصول بنیادین حاکم بر شرکت تضامنی، همه‌ی شرکا به صورت تضامنی و نامحدود است. یعنی طلبکاران شرکت می‌توانند همه‌ی شرکا و یا هر یک از آنان را که مایل باشند برای وصول طلب خود انتخاب و تحت تعقیب قرار دهند، ولی نکته‌ای که ذکر آن کمال اهمیت را دارد این است که تا هنگامی که شرکت به حیات خود ادامه می‌دهد و انحلال آن اعلام نگردیده، مطالبات بستانکاران باید از دارایی خود شرکت تأدیه گردد. (امیر حسین فخاری، همان، ۳۱) مطابق ماده ۱۲۵ ق.ت.، هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، متضامناً با سایر شرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته، اعم از اینکه در اسم شرکت تغییر داده شده، یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا بر خلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن خواهد بود.

### بند سوم: نحوه تقسیم سود و زیان

ماده ۱۱۹ قانون تجارت اشعار می‌دارد، در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکاء تقسیم می‌شود، مگر آنکه شرکت‌نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد. مطابق منطوق این ماده می‌توان دریافت که شرکا می‌توانند در ضمن شرکت‌نامه چنین قرارداد نمایند که تقسیم منافع به نسبت قدرالسهم هر شریک نباشد و برخی از شرکا بتوانند سود بیشتری را تحصیل نمایند. و در قیاس با مقررات قانون مدنی، ماده ۱۱۹ ق.ت. برخلاف ماده ۵۷۵ ق.م. آزادی انتخاب طریق تقسیم سود را محدود به انجام دادن عملی از سوی یکی از شرکا نمی‌کند (ربیعا اسکینی، همان، ۱۱۶). در روی دیگر سکه همان‌طور که پیشتر ذکر شد، همه‌ی شرکای شرکت به صورت نامحدود در برابر دیون خارج از توان شرکت دارای مسئولیت نامحدود می‌باشند، اما اگر در اثر ضررهای وارده، سهم‌الشرکه شرکاء کم شود، مادام که این کمبود جبران نشده، تأدیه هر نوع منفعت به شرکا ممنوع است. لذا چنین مستفاد می‌گردد که در صورت حدوث ضرر، هر شریک صرفاً مکلف به ترمیم قدرالسهم خویش می‌باشد.

### گفتار چهارم: انحلال شرکت تضامنی

در خصوص انحلال شرکت تضامنی، بسان سایر شرکت‌های تجاری می‌توان دو صورت ارادی و قهری را متصور بود که ماده ۹۳ ق.ت. به عنوان قاعده‌ای عام بر انحلال همه‌ی شرکت‌های تجاری موجود در قانون تجارت اطلاق نمود. هر چند این ماده به موجب قانون اصلاحی شرکت‌های تجاری در سال ۹۳ در خصوص شرکت سهامی نسخ گردیده است، ولی با توجه به تصریح قانون‌گذار در خصوص انحلال سایر شرکت‌های تجاری در مواد ۱۱۴، ۱۳۶، ۱۶۱، ۱۷۶ و ۱۸۱ به موارد مندرج در ماده ۹۳ باید همچنان مندرجات این ماده را همانند ماده ۵۱ ق.ت. معتبر دانست. لذا در این گفتار طی دو بند به قواعد عام و اختصاصی انحلال شرکت تضامنی می‌پردازیم.

### بند اول: قاعده عام

در ماده ۹۳ ق.ت. چنین بیان شده است: شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱- وقتی شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده است را انجام داده و یا انجام آن غیر ممکن شده باشد. ۲- وقتی شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت، منقضی شده باشد. ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴- در خصوص تصمیم مجمع عمومی، هر چند این ماده به موجب بخش ۹ قانون اصلاحی شرکت‌های سهامی، ضمن ماده ۱۹۹ نسخ گردیده است، ولی به عنوان قاعده‌ای عام بر شرکت‌های تجاری حاکم بوده و در خصوص سایر اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی نیز منطقیاً قابل تسری است و به صورت عملی در همه‌ی اساسنامه‌های این اشخاص مشاهده می‌شود. فقره چهارم این ماده یعنی تصمیم مجمع عمومی در خصوص شرکت تضامنی موضوعیت نداشته و قانون‌گذار در بند الف ماده ۱۳۶ صرفاً فقرات ۱، ۲ و ۳ را در خصوص شرکت تضامنی اختصاص داده است. از آنجا که در همه‌ی شرکت‌های تجاری پس از انحلال باید تصفیه شرکت صورت پذیرد، در غیر مورد ورشکستگی، تصفیه مطابق فصل سوم باب سوم قانون تجارت یعنی در تصفیه امور شرکت‌ها مطابق مواد ۲۰۲ تا ۲۱۷ و ایضاً برخی موارد ضمن شرکت‌نامه صورت می‌پذیرد و در مورد ورشکستگی مقررات ورشکستگی بر تصفیه شرکت حاکم می‌باشد.

در خصوص انحلال شرکت تضامنی با عنایت به ذات و کارکرد آن، فارغ از موارد مندرج در ماده ۹۳ ق.ت. باید قواعد ویژه‌ای را برای آن در نظر گرفت. ماده ۱۳۶ ق.ت. چنین اشعار می‌دارد: شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳ ب) در صورت تراضی تمام شرکا ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷ ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸ و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ تبصره - در مورد بند ج) هر گاه دلائل انحلال منحصراً مربوط به شریک یا شرکای معینی باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال، حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

در تفسیر بندهای این ماده می‌توان این‌گونه نظر داد: بند "ب" این ماده فی‌الواقع جایگزین فقره ۴ ماده ۹۳ یعنی تصمیم مجمع عمومی شده و از آنجا که این بند در کنار بند "د" موارد اختصاصی ارادی انحلال شرکت تضامنی است، لذا قانون‌گذار بر این مسأله یعنی اتفاق نظر همه‌ی شرکا تصریح نموده است و با توجه به آمره بودن، نمی‌توان خلاف این مقرر در شرکت‌نامه و یا اساسنامه شرط نمود، ولی اشتراط آن آسیبی به شرکت‌نامه ندهد و صرفاً به علت نامشروع بودن به موجب فقره ۳ ماده ۲۳۲ ق.م. شرط مذکور باطل و غیر مبطل عقد است.

در تفسیر بند "ج" این ماده، قانون‌گذار مناطی را جهت رفع اجمال از عبارت «دلایل موجه» ارائه ننموده و نمی‌توان به صورت علی‌الاطلاق به موارد معینی اشاره نمود. در ماده ۲۰۱ قانون اصلاحی شرکت‌های سهامی، قانون‌گذار به صورت حصری مواردی را ارائه نموده است که هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت سهامی را از دادگاه تقاضا نماید و از طرف دیگر قانون‌گذار جهت حفظ شرکت‌های سهامی به عنوان موتورهای مولد اقتصادی، جهت رفع موارد مذکور، متعاقباً مواردی را بیان نموده است. اما این سؤال باقی است که آیا با رفع دلایل موجه توسط شرکت آیا می‌توان حکم به انحلال شرکت نداد و از همه مهم‌تر این است که آیا محکمه می‌تواند رأساً همانند ماده ۲۰۲ قانون اصلاحی همانند شرکت سهامی به شرکت تضامنی نیز مهلت اعطا نماید؟ با عنایت به مسکوت بودن قانون و همچنین آمره بودن مفاد ماده ۱۳۶ و همچنین استصحاب مقتضای انحلال شرکت تضامنی، باید پاسخ این سؤال را منفی دانست و حکم به انحلال شرکت تضامنی داد.

شیوه اعمال بند "د" یعنی فسخ یکی از شرکا در ماده ۱۳۷ ذکر شده، در ماده ۱۳۷ چنین آمده است: فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه، این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود، فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید. در این ماده می‌توان فاصله‌ی شرکت تجارتي را با شرکت مدنی به عنوان یک عقد جایز دریافت که به صرف اراده یکی از شرکای شرکت مدنی، شرکت منحل می‌شود ولی قانون‌گذار قیودی را برای اعمال این حق در نظر گرفته است. ولیکن قانون‌گذار برای اعمال حق فسخ قیودی را مشخص نموده که عدم سلب این حق، عدم قصد اضرار و اعلام کتبی تقاضای فسخ به شرکا شش ماه قبل از فسخ می‌باشد و قید آخر اعمال فسخ در هنگام ختم محاسبه سالیانه شرکت در شرکت‌هایی که مطابق اساسنامه و به طریق اولی در شرکت‌نامه به حساب‌های شرکت می‌پردازند، می‌باشد. لذا از این حیث با عنایت به ادبیات حقوقی ایران می‌توان فسخ شرکت تضامنی را ایقاعی تشریفاتی محسوب نمود. به نظر می‌رسد باید بند "ج" ماده ۱۳۶ را مکمل بند "د" دانست، زیرا در صورتی که حق فسخ شرکا سلب شده باشد، شریک خواهان فسخ از طریق دادخواست به دادگاه و ارائه‌ی دلایل موجه به خواسته خود هرچند از مسیری سخت‌تر دست یابد، هرچند که در خصوص فسخ نیز باید به موجب قواعد عمومی دادرسی به محکمه مراجعه نمود و صرف ابراز فسخ برای انحلال شرکت کافی نیست. نکته مهم دیگر که نباید از آن مغفول ماند این است که در صورت فسخ شرکت، شرکایی که بخواهند فعالیت شرکت ادامه یابد، باید لاجرم به تأسیس شرکت دیگری بپردازند که می‌تواند عندالاقضاء در شکل هر یک از شرکت‌های ماده ۲۰ قانون تجارت باشد.

در خصوص بند "ه" ماده ۱۳۸ که ورشکستگی یکی از شرکا را از عوامل انحلال شرکت دانسته است، در تبیین آن ماده ۱۳۸ چنین اشعار داشته: در مورد ورشکستگی یکی از شرکا، انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. انحلال شرکت به سبب

ورشکستگی شرکا جنبه قهری دارد، یعنی نیازمند صدور حکم انحلال به وسیله مرجع قضایی به سبب ورشکستگی نیست و کافی است که مدیر تصفیه شریک ورشکسته مراتب مندرج در ماده ۱۳۸ ق.ت. را به عمل آورد. (ربیعا اسکینی، همان، ۱۷۲)

بند "و" ماده ۱۳۶ همانند بند "ه" نیز باید از عوامل قهری انحلال محسوب گردد و ماده ۱۳۹ ق.ت. در بیان آن چنین اشعار داشته است: در صورت فوت یکی از شرکا، بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکا به بقای شرکت تصمیم نموده باشند، قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقای شرکت کتباً اعلام نماید. در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود، نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود، ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله، در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است و در ماده ۱۴۰ ضمانت اجرای محجوریت یکی از شرکا را نیز هم‌ردیف فوت دانسته و مدلول ماده ۱۳۹ را نیز در خصوص ماده ۱۴۰ جاری دانسته است. سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا برای بقای شرکت فقط رضایت شرکا کفایت می‌کند؟ یا اینکه ادامه حیات آن منوط به موافقت شرکا و قائم مقام متوفی هر دو دارد؟ قسمت اول ماده این استنباط را به دست می‌دهد که برای جلوگیری از انحلال شرکت رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی هر دو ضرورت دارد. ولی از قسمت دوم ماده معلوم می‌شود که اگر هم قائم مقام متوفی مایل به ادامه شرکت نباشد صرف رضایت شرکا کافی به بقای آن خواهد بود. مؤید این نظر راه‌حلی است که قانون‌گذار در مورد مدیونیت و ورشکستگی یکی از شرکا اختیار کرده است و دلیلی ندارد که همان راه‌حل را در مورد فوت احد از شرکا نپذیریم، زیرا همان مصالحی که مقنن را وادار نموده در مورد ورشکستگی و مدیونیت طریقی ارائه دهد که از انحلال شرکت جلوگیری به عمل آید، در مورد فوت نیز لازم‌الرعایه است. (امیر حسین فخاری، همان، ۳۸)

نتیجه‌گیری:

همان‌گونه که مشاهده گردید، شرکت تضامنی به عنوان یک شخص حقوقی تجاری دارای مقررات سخت‌گیرانه و اصول مدونی است که برای شرکا مسئولیتی تضامنی و نامحدود ایجاد می‌نماید و از این حیث معاملات با این قبیل شرکت‌ها برای اشخاص ثالث و بستانکاران اطمینان بیشتری به همراه دارد، زیرا اولاً این شرکت فی‌مابین اشخاص دارای وثوق و تجار معتبر تشکیل شده، فلذا اعتبار به عنوان رکن رکن حیات تجاری تاجر، پشتوانه معتبری به شمار می‌رود. لذا این مسئولیت نامحدود و تضامنی شرکا، برای بستانکاران دلهره و عدم اعتماد معامله با شرکت‌های با مسئولیت محدود و بلاخص سهامی خاص را در استیفای دیون خود در پی ندارد و از این حیث مشاغلی که به سرمایه بالا احتیاج داشته و اعتبار اشخاص حقیقی سازنده اعتبار شرکت است، تجار در قالب شرکت تضامنی و یا نسبی دست به تأسیس شرکت می‌زنند و اشخاص آگاه به مقررات تجاری با شرکت‌های سهامی خاص و مسئولیت محدودی که به چنین مشاغل حساسی (همانند مشاغل خدماتی مثل صرافی، حق‌العمل‌کاری، دلالی و...) اشتغال دارند، با دیده تردید نگرینسته و حتی‌الامکان وارد معامله نمی‌شوند و اگر بخواهند معامله کنند از شرکت مزبور ضامنی معتبر به نحو تضامنی و با مسئولیت نامحدود مطالبه می‌نمایند. هرچند که مزیت اصلی شرکت تضامنی اطمینان خاطر وصول مطالبات بستانکاران و معاملین با شرکت است، ولیکن مسئولیت نامحدود و تضامنی شرکا نسبت به شرکت با هر قدرالسهمی، هرچند ناچیز، خطرات بسیاری برای شرکا به همراه دارد و فلذا ریسک بالای مشارکت در چنین شرکتی در کشورهای با نوسان اقتصادی بالا، مسلماً مقتضای ایجاد تبعات ناگواری را همانند ورشکستگی شرکا به همراه خواهد داشت.

منابع:

۱- ربیعا(۱۳۸۶). حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری جلد اول. تهران: سمت

۲- ستوده تهرانی، حسن(۱۳۸۵). حقوق تجارت: جلد اول. تهران: دادگستر

۳- محمود(۱۳۸۸). حقوق تجارت: جلد دوم. تهران: جنگل

۴- امیرحسین(۱۳۶۷). پلی‌کپی جزوه حقوق تجارت ۲ دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی